

در اجتماع ما/ خطرناک ترین استعمار؟

تسلیم بدون قید و شرط در برابر تمدن غرب

مسابقه زیباترین گربه جهان!

مسابقه انتخاب زیباترین گربه جهان در هتل «نپلئون» واقع در «پاریس» انجام گرفت، زیباترین گربه‌های جهان به‌مراه صاحبان آنها در این مسابقه شرکت نمودند!

مسابقه مزبور هر سال باشکوه فراوان و طی تشریفات مفصلی در پاریس انجام می‌گیرد.

دو تا از زیباترین گربه‌های ایرانی! بنام «ژرمی» و «گلوریک» در این مسابقه شرکت کردند این دو گربه تاکنون در مسابقات مختلف جوایز متعددی بدست آورده‌اند!

استعمار یک کشور منحصر با استعمار سیاسی و نظامی و اقتصادی نیست. استعمار انواع و اقسام بسیاری دارد و از همه خطرناکتر «استعمار فکری» است.

منظور از استعمار فکری آنست که فرد با جامعه‌ای در برابر افکار فرد یا جامعه دیگر چنان تسلیم بی‌قید و شرط شود که مطلقاً حق هرگونه اظهارنظر و عقیده را عملاً از خود سلب کند و دخالت اقوام استعمارگر را در تمام شئون زندگی خود بدون چون‌وچرا بپذیرد و خلاصه بصورت یک موجود «انگل» و وابسته بدیگران در آید.

اینکه می‌گوئیم این نوع استعمار فکری از هر استعماری خطرناکتر است دلیلش روشن است؛ زیرا جامعه‌ای که باین درد مبتلاست هرگز نمیتواند ملیت و استقلال سیاسی و تمامیت ارضی و استقلال اقتصادی خود را حفظ کند و رفته‌رفته در جامعه استعمار هضم میشود.

با کمال تأسف باید اعتراف کرد امروز عده‌ای در مملکت ما باین بیماری خطرناک مبتلا هستند و در برابر تمام شئون زندگی غربی یک چنین حالتی پیدا کرده‌اند.

از برنامه‌های فرهنگی گرفته تا خوراک روزمره، فرستنده رادیو و قسمتی از مطبوعات، و مسابقات ورزشی و طرز آرایش و مدل لباس و آداب معاشرت و؟؟؟ همه‌همه تحت‌تأثیر مستقیم افکار غربیها قرار گرفته حتی قسمتهای منفی و بد آن بیش از قسمتهای مثبت و خوب در تمام دستگاهها اثر می‌گذارد، این

عقب‌روی و تسلیم بی‌قید و شرط در برابر همه‌چیز غریبه‌ها، بقدری زننده و مسخره است که هر آدم فهمیده و باشعوری را ناراحت میکند.

***درست ملاحظه کنید وقتی اراده مبارک غریبه‌ها بر این تعلق می‌گیرد که مراسم «مسابقه زیباترین گربه جهان» را باشکوه هرچه تمامتر برگزار کند، و در هتلی که بنام سردار بزرگ غرب «ناپلئون» نام‌گذاری شده این مراسم را برپا سازند، و از گوشه‌وکنار مغرب زمین صاحبان گربه‌های زیبا با شور و شتاب فراوان برای شرکت در این «مسابقه عظیم و هیجان‌انگیز تاریخی» روانه پاریس میشوند تا افتخارات تازه‌ای برای کشور خود بارمغان بیاورند، و نفر از هموطنان عزیز ما از نواده‌های «کوروش کبیر» برای اینکه حیثیت بین‌المللی این کشور باستانی در این کشاکش تاریخی در برابر بیگانگان بخطر نیفتد و برای اینکه شاید از این رهگذر افتخار تازه‌ای بر سایر افتخارات این کشور کهن بیافزاید؛ با دو عدد «گربه ملوس» از نژاد اصیل ایرانی (ولی با نام‌های خارجی!!) با یک هواپیمای سریع السیر فرودگاه مهرآباد را بقصد «پاریس» ترک میکنند؛ و لا بد سرانجام یک مدال از زغال خالص طبیعی «با یکدنیا موفقیت و افتخار برای هموطنان گرامی بارمغان می‌آورند.

حتما در فرودگاه عده‌ای از شخصیت‌ها و رجال کشوری و لشکری و نمایندگان طبقات و اصناف مختلف و شهردار تهران با دسته‌های گل از این دو گربه قهرمان (و ضمنا صاحبان آنها!) استقبال پرشوری بعمل می‌آورند و خیرمقدم عرض میکنند؛ و لا بد بلافاصله مراسم این استقبال باشکوه و شورانگیز «عینا» از رادیو تهران برای هموطنان عزیز در سراسر کشور پخش میشود
من نیمدانم اسم این طرزفکر را چه بگذاریم؟ یک نوع جنون، یک بیماری روحی، یکنوع بدبختی و بیچارگی؟!... خلاصه هرچه هست عواقب خطرناکی دارد.

شما با دقت بطرز زندگی فرنگی‌مآبها؛ همانهایی که مانند یک غده سرطانی در قلب این مملکت در حال گسترش هستند؛ نگاه کنید می‌بینید از فرق تا قدم و از موی سر تا ناخن پا و از درب خانه تا اعماق مغز و فکر آنها تحت‌تأثیر افکار غریبه‌هاست و مطلقانه از خود فکری ندارند، نه اراده‌ای، نه برنامه‌ای نه رسومی نه آدابی، نه شخصیتی. حتی در موهوم‌پرستی هم سعی میکنند موهوماتی را از قبیل موهومات اروپائیه (مانند عقیده بنعل اسب و الاغ، اعتقاد بدرخت کاج، مراسم رسوای شب ژانویه...) را انتخاب کنند؛ نه موهومات وطنی پیره‌زنهای خودمان! و از همه بدتر اینکه باین طرزفکر و این طرززندگی افتخار هم میکنند.

راستی از یک نظر اینها موجودات بیچاره و قابل ترحمی هستند زیرا در برابر صنایع خیره-کننده غرب چنان دین و دل باخته‌اند که بجای اینکه بفکر اقتباس صنایع آنها بیافتنند بفکر اقتباس عادات و رسوم غلط آنها افتاده‌اند.

برای نجات مملکت از چنگال این بیماری خطرناک که کم‌کم بصورت «اپیدمی» در می‌آید راهی جز این نیست که دانشمندان، نویسندگان و گویندگان پیا خیزند و دست بیک «انقلاب فکری» بزنند و حس اعتماد بنفس را در افراد زنده کنند و با این «خودباختگی» و «استعمار فکری» مبارزه نمایند.

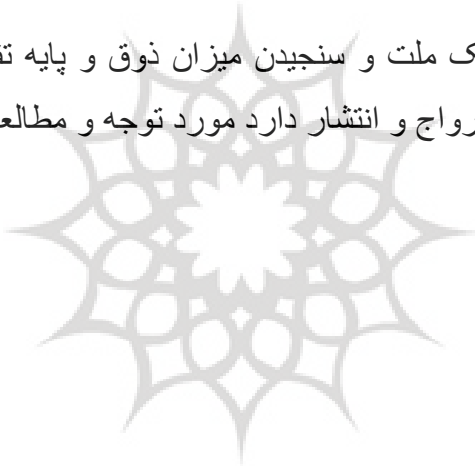
باید تمام افراد-مخصوصا بنسل جوان- این نکته را فهماند که ملت‌هایی که استقلال فکری خود را از دست داده‌اند بدنبال آن استقلال سیاسی و اقتصادی خود را هم مسلماً از دست می‌دهند.

مقیاس ارزش یک ملت!

برای شناختن اخلاق و روحیات یک ملت و سنجیدن میزان ذوق و پایه تفکر افراد آن؛ باید کلیه کتب و رسائلی که در میان آن ملت بیشتر رواج و انتشار دارد مورد توجه و مطالعه قرار داد

ساموئیل اسمایلز

(نقل از کتاب چکیده اندیشه‌ها)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی